



حکومت هخامنشیان

هخامنشیان...!

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی

انتشار: ۲ مرداد ۱۳۹۴ / ۷ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

یک فرمانروای خوش نام : کوروش نوه آخرین پادشاه ماد بود و با همراهی فرماندهان مادی توانست قدرت را به دست گیرد و سلسله هخامنشی را تاسیس کند . کوروش در میان پادشاهان قدیم و جدید ویژگی خاصی داشت که بدان مشهور است و میتوان همه آنها را در خردمندی خلاصه کرد. او به خوبی میدانست که با اقوام و ملت های گوناگون مختلف چگونه رفتار کند ، به همین دلیل شیوه فرمانروایی او با شیوه پادشاهانی که تا آن زمان بر مردم دنیا حکومت کرده بودند تفاوت داشت . با انتشار خبر سقوط حکومت ماد ، فرمانروایان لودیه (در ترکیه امروزی) و باب



یک فرمانروای خوش نام :

کوروش نوه آخرین پادشاه ماد بود و با همراهی فرماندهان مادی توانست قدرت را به دست گیرد و سلسله هخامنشی را تاسیس کند. کوروش در میان پادشاهان قدیم و جدید ویژگی خاصی داشت که بدان مشهور است و میتوان همه آنها را در خردمندی خلاصه کرد. او به خوبی میدانست که با اقوام و ملت های گوناگون مختلف چگونه رفتار کند ، به همین دلیل شیوه فرمانروایی او با شیوه پادشاهانی که تا آن زمان بر مردم دنیا حکومت کرده بودند تفاوت داشت .

با انتشار خبر سقوط حکومت ماد ، فرمانروایان لودیه (در ترکیه امروزی) و بابل (در عراق امروزی) به طمع افتادند که قسمت هایی از قلمرو ماد را تصرف کنند. پادشاه لودیه که ادعای خیشاوندی با ماد ها داشت با فرمانروایان بابل و مصر و نیز سایر حکمرانان آسیای صغیر متحد شد و در صدد ضربه زدن به کوروش بر آمد . کوروش نیز پس از آگاهی از این اتحاد با سرعت به سوی سارد پایتخت لودیه حرکت کرد و حکومت لودیه و حکومت شهر های آسیای صغیر را شکست داد با تسلط بر این شهر ها که از راه تجارت ثروتمند شده بودند حکومت هخامنشی تقویت شد .

هدف بعدی کوروش بابل ، پایتخت حکومت کلدیه ، بود. در این زمان نبونید بر بابل فرمان می راند شهر آباد ، وسیع و در واقع بزرگترین شهر آسیا بود که مردمانی از اقوا گوناگون در آن می زیستند. با این حال ، نبونید شایستگی حکومت بر مردم بابل را نداشت و آنان را از خود رنجانده بود بویژه بی احترامی او نسبت به مردوک خدای مورد احترام بابلیان کاهنان بابلی را آزرده بود ، نبونید نیز در ماجرای همراهی با پادشاه لودیه بهانه حمله به بابل را

به کوروش داده بود ، کوروش در حمله به بابل نیز کامیاب بود . در عین حال ، رفتار او هنگام غلبه بر دشمن با فرمانروایان آن زمان فرق داشت . در آن زمان با سقوط یک شهر به دست دشمن ، مردم قتل عام میشدند و به ویژه خدایان مورد احترام آنان مورد اهانت قرار میگرفتند . کوروش ضمن خودداری از این گونه کار ها ، به اقوامی که طی حمله به فرمانروایان قبلی بابل ، اسیر و به بردگی گرفته شده بودند اجازه داد به وطن خود بازگردند.



کمبوجیه فاتح مصر....!

پس از کوروش پسرش ، کمبوجیه ، جانشین او شد . اقدام مهم کمبوجیه حمله به مصر بود . بهانه کمبوجیه این بود که فرعون مصر او را به دامادی نپذیرفته بود ، اما انگیزه واقعی وی از این حمله عبارت بود از ۱_همدستی فرعون مصر با پادشاه لودیه در ماجرای توطئه حمله به ایران و دوم ثروت بیکران مصر. مصر کشوری بزرگ و دارای تمدنی با شکوه بود ، اما این کشور دچار نابسمانی داخلی بود . در این سفر جنگی فرعون مصر تصور میکرد ایرانیان از راه دریا به این سرزمین هجوم میبرند اما حمله ایرانیان از خشکی آنان را غافلگیر ساخت و در نهایت کمبوجیه توانست مصر را فتح کند . فتح مصر برای ایرانیان اهمیت زیادی داشت ، آنان در پی فتوحات در زمان کوروش ، اکنون توانسته بودند بر یکی دیگر از دولت های مشهور جهان پیروز شده و بر سرزمین های وسیعی مسلط شوند .

در آغاز برخورد کمبوجیه با مصریان شبیه برخورد کوروش بود . او به آداب و رسوم مصریان احترام گذاشت و دین آنان را گرامی داشت . به همین دلیل با مقاومت سرسختانه مصری ها روبه رو نشد . کمبوجیه در صدد تصرف قسمت های دیگر از افریقا بود اما خبر هایی که از ایران رسید او را ناگزیر به بازگشت کرد. او ابتدا فرمانروایی ایرانی برای مصر

تعیین کرد و سپس راه بازگشت در پیش گرفت اما پیش از رسیدن به ایران در گذشت. مشهور است که از شنیدن خبر های مربوط به بردیا که در ادامه خواهید خواند دچار خشم شدیدی شد و خودکشی کرد.



افسری که بزرگ ترین امپراطوری جهان را سازمان داد !

هنگامی که سپاهیان کمبوجیه به ایران رسیدند ، اوضاع ایران اشفته بود . در غیاب کمبوجیه ، فردی به نام بردیا ، خود را برادر کمبوجیه و جانشین حقیقی کوروش اعلام کرده بود . او با بخشش مالیات ها توانسته بود حمایت برخی از حکمرانان را به خود جلب کند . از طرفی برخی از ایالت های دور و نزدیک سر به شورش برداشته بودند. در چنین شرایطی یکی از جوانان هخامنشی به نام داریوش توانست برگان خانواده های هخامنشی را با خود همراه سازد . آنان برای تصرف قدرت با هم متحد شدند . داریوش نخست با حمله به محل سکونت بردیا او را به قتل رساند. سپس شورش هارا سرکوب کرد او طی ۲ سال به عملیات نظامی وسیعی دست زد که طی آن ۱۹ جنگ صورت گرفت و ۹ پادشاه محلی به قتل رسید . در برخی از این سفر ها جنگی داریوش خود شرکت داشت و در برخی دیگر ، فرماندهان مورد اعتمادش را می فرستاد . او خود به مصر رفت و شورش آنجا را فرونشاند . همچنین شمال هند را به امپراطوری ایران ضمیمه کرد، داریوش شرح بیشتر لشکرکشی هارا در کتیبه بیستون به یادگار گذاشت !...

داریوش در سال های پایانی عمر خود به یونان لشکرکشی کرد . در این زمان ، بخشی بزرگی از آسیای صغیر جزو قلمرو ایران بود . با این حال ، تعدادی از فرمانروایان آن نواحی سر به شورش برداشته بودند . در این شورش ها، دو دولت شهر معروف یونان به نام اتن و اسپارت دست داشتند. در این سفر جنگی داریوش به تنبیه شورشیان پرداخت. هنگامی که سپاهیان داریوش به نزدیکی اتن رسیدند مردم اتن پایداری پرداختند . در این جنگ که به جنگ ماراتن معروف است ، آتنی ها توانستند از سقوط شهرشان جلوگیری کنند ، داریوش به سپاهیان خود دستور داد که بازگردند او قصد داشت سال بعد دوباره به یونان لشکرکشی کند ، اما بعد از مدتی در گذشت . (اتنی ها از اینکه توانسته بودن شهر خود را از فتح شدن برهاند بسیار خوشحال شدند و شادمانی کردند و مورخان یونانی نیز این حادثه را به عنون شکست داریوش قلمداد کردند و در کتاب های خود در توصیف آن بسیار اغراق کردند)



از مرگ داریوش تا انقراض سلسله هخامنشی ...!

همزمان با روی کار آمدن خشایارشا پسر و جانشین داریوش شورش هایی رخ داد که خاندان هخامنشی آن را سرکوب کردند. سپس خشایار شا تصمیم گرفت نقشه پدر را برای حمله به یونان عملی سازد . او برای این کار سپاه بزرگی به راه انداخت خشایارشا در نبرد های زمینی به پیروزی و شکست دادن یونان رسید اما در نبرد های دریایی به نام سالامیس توفیق چندانی نداشت

دربار هخامنشی پس از خشایارشا کانون رقابت های درباریان شد. در زمان داریوش دوم همسرش پروشات قدرت و نفوذ زیادی در شاه داشت به همین دلیل نقش زیادی در تصمیم گیری ها ایفا میکرد از وقایع مهمی که پروشات در ان دست داشت لشکر کشی کوروش کوچک برای به چنگ در آوردن قدرت بود داریوش دوم پسرش اردشیر را به جانشینی انتخاب کرد اما پسر دیگرش به نام کوروش کوچک که در آسیای صغیر حکومت داشت به این انتخاب راضی نبود وبعد از مرگ داریوش دوم . کوروش کوچک ضمن همفکری مادرش با سپاهی که بیشتر انان یونانی بودند به سوی پایتخت به راه افتاد اما در جنگی که رخ داد کوروش کوچک شکست خورد و کشته شد .

در زمان اردشیر دوم یونان دچار ضعف شده بود و توسط فیلیپ مقدونی حاکم مقدونیه فتح شد در زمان اسکندر . داریوش سوم بر ایران حکومت داشت که اختلافات داخلی و سستی بر هخامنشیان غلبه داشت و دیگر از شور و شجاعت سال های پیش چیزی نمانده بود در چنین شرایطی اسکندر مقدونی در شهر های ایران کشتار زیادی به راه انداخت و سلسله هخامنشی را منقرض کرد

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «هخامنشیان...!»، پارسیان دژ، ۱۳۹۴.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<https://parsiandej.ir/articles/1655/pdf/هخامنشیان.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۱۲ مرداد ۱۴۰۵